

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

سید غلامحسین حسینی بلخابی *

در عصر پیشرفت اطلاعات ، که جهان را با این وسعت به صورت دهکده ای درآورده است ، امپریالیسم جهانی به رهبری آمریکا و همیاری صهیونیسم برنامه ریز و کارکشته ، با بهره گیری از تکنولوژی مدرنی که در اختیار دارند ، می خواهند سلطه خود را بر جهان بگسترانند .

تهاجم فرهنگی وسیع و پر دامنه ی آنان ، علیه اسلام و مسلمین می طلبد که ما ، با استفاده از روش تبلیغی پیامبر گرامی اسلام و سایر معصومین علیهم السلام و به پاسداری از مرزهای ایدئولوژیک خود پرداخته و نیز هویت شیطانی و زیاده خواهی آنها را افشا نماییم .

تعریف تبلیغ در لغت :

رسانیدن ، وصل کردن ، رسانیدن عقاید دینی یا غیر آنها با وسایل ممکنه ^۱.

تعریف اصطلاحی تبلیغ :

در مجموع می توان تبلیغات را نوعی تلاش کم و بیش منظم و جامع برای تحت نفوذ و تاثیر قراردادن عقاید ، نگرشها ، یا اعمال دیگران با استعانت از نمادها کلمات ، اشارات ، موسیقی ، فیلم و ... تعریف کرد . ^۲

تبلیغ ، رساندن پیام است ، با استفاده از ابزار مناسب و موثر . ^۳

پیام رسانی به قلب

انسانها دارای غرایز فطری و طبیعی هستند که نیاز به کنترل دارند . ممکن است غرایز مادی رشد نموده و عرصه را برای غرایز معنوی تنگ نمایند . مثلا برای حب به بقای شخصی ، تداوم حیات دیگران را به خطر بیندازد و یا اینکه شخصیت بر غریزه ی نوع دوستی و یا حقیقت طلبی غلبه پیدا کند و زمینه ظهور غرایز معنوی را سلب نماید .

پیامبران الهی با استفاده از روشهای تبلیغی کارآمد و موثر ، از رشد بی رویه و ناسالم بعضی غرایز جلوگیری می نمایند و در راستای شکوفایی بعضی دیگر می کوشند تا بستری مناسب برای تکامل انسان فراهم نمایند .

* فارغ التحصیل دوره کارشناسی

انسان با مسائل فراوان دیگری نیز مواجه است که غریزی نیستند که افراط و تفریط در آنها برای انسان زیانبار و ایجاد تعادل در آنها منجر به سعادت فرد و اجتماع می گردد . پیامبران آموزگارانی اند که انسانها را با نیازهایشان آشنا نموده و راهکارهای عملی را در این زمینه ارائه داده اند . آنها با منبع وحی در ارتباط بودند و فرامین خداوند را دریافت می کردند . در آغاز ، خود بکار می بستند و عمل می کردند و با دریافت فرمان تبلیغ ، به صورت گام به گام و با توجه به مقتضیات زمان و مکان و تأمل و دقت به شرایط اجتماعی ، روانی و اقتصادی دست بکار می شدند . اگر مبلغ به تبلیغ خودش اعتقاد نداشته باشد و یا به آن عمل نکند ، چگونه می تواند انتظار تحول و اثرگذاری تبلیغ خود را در دیگران داشته باشد؟!

سخنی که از زبان بیرون شود ، از گوشها فراتر نخواهد رفت . « ان الکلام اذا خرج من اللسان لم يتجاوز من الاذن » پیامبران ، پیام خداوند را از طریق وحی دریافت می کردند و آن را بکار می گرفتند و سپس به تبلیغ آن پیام مبادرت می ورزیدند و قلب ها را به تسخیر خویش در می آورند « ان الکلام اذا خرج من القلب دخل فی القلب . » هرگاه سخنی از قلب بیان شود ، لاجرم بر دل خواهد نشست .

پیام رسانی

مامور پست ، وقتی که محموله ای را به دست صاحبش می رساند و یا مدیر اداره ای ، بخشنامه وزیر مربوطه را به اطلاع مامورین زیر دست خود می رساند . این نوع پیام رسانی ، رساندن پیام به حس است و گاهی پیام رسان با بهره گیری از استدلال منطقی ، فلسفی و تجربی ، پیامی را به عقل می رساند ، اما پیام رسانی پیغمبران (ص) به دل ها می باشد که فراتر از پیام رسانی به حس و عقل است .

تبلیغ آنها از مرز حس و عقل عبور کرده و به دل راه پیدا می کند و قلب ها را همچون موم تحت فرمان خویش نرم می نماید .

بیست و پنج سال ، پس از شهادت حضرت علی (ع) ، رژیم استبدادی در تعقیب پیروان علی (ع) است ، تا آنان را قلع و قمع کند . میثم تمار از این تهدیدها هیچ هراسی ندارد ، دستگیر می شود و زبانش را به جرم گفتن مدح مولا قطع می نمایند ، اما باز هم از علی (ع) می گوید ، او را به دار می آویزند ولی تا رمق در جان دارد از مدح علی می گوید .

تبلیغ علی (ع) در قلب میثم اثر گذاشته بود و تاثیر تبلیغ هرگز از دل میثم زدوده نگردید .

اما تبلیغ سطحی دارای اثر پایدار و عمیق نخواهد بود و دل ها را نمی تواند تسخیر نماید .

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

کهنه ابری که بود ز آب تهی کی تواند که کند آب دهی

فرضیه ها و تئوریهای مارکس ، توانست با فرازاها و فرودهایی ، حدود هفتاد سال در روسیه و سرزمین های دیگر با بکار گیری سر نیزه ها ، مطرح گردد ولی پایه های لرزان و ضعیف آن ، قادر به تداوم حیات نگردید و سر انجام پرونده اش مختومه شد .

شهید مطهری می فرماید :

{ تبلیغ پیامبران الهی دارای سه بعد بود که عبارتست از عرض ، طول و عمق ، چون پیام و تبلیغ آنها دارای این ابعاد بوده ، دعوتشان پایدار و ماندگار گردیده است . دعوت تبلیغ کننده هایی که این سه بعد و جهت را نداشته ، از گستردگی ، پایداری و ژرفا برخوردار نگردیده اند }^۲ .

شعاع تبلیغ پیامبر اسلام از حیث زمانی ، تنها چهارده قرن است اما از حیث گستردگی همه کره ی خاکی را درنوردیده و از مرز یک میلیارد مسلمان فراتر رفته است و از جهت تاثیر ، آنچنان نیرومند است که پیروان اسلام در هر شرایطی برای دفاع از باورهای دینی آماده اند .

روش تبلیغ پیامبر (ص) الگویی ماندگار

آنچه را که پیامبر (ص) بر زبان جاری نموده اند ، و آنچه را که انجام داده اند ، یعنی اقوال و افعال ، رسول اعظم (ص) برای امت اسلامی حجت است و الگو و سرمشق بودن پیامبر اکرم را ، قرآن مجید چنین بیان می کند : « لقد کان فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا »^۵ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود ، برای آنان که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند .

پیامبر به مکان تبلیغ توجه خاصی داشت ، چون مکان ، در اثر گذاری تبلیغ می تواند نقش داشته باشد ، در ایام حج ، پیام خدا و دعوت اسلامی خویش را به مردم می رساند^۶ در کنار کعبه در حجر اسماعیل می نشستند و آیات قرآن را تلاوت و تبلیغ می کردند .^۷ و همچنین به زمان تبلیغ و انتخاب بهنگام آن ، عنایت داشتند .

مثلا به مدت سه سال ، تبلیغ پیامبر(ص) به صورت پنهانی انجام می گیرد و پس از گذشت آن شرایط زمانی و وارد شدن به زمان و شرایطی دیگر دعوت علنی خویشاوندان به فرمان خداوند

« وانذر عشیرتک الاقرین »^۸ و دعوت عمومی و علنی به فرمان خداوند « فاصدع بما توامر و اعرض من المشرکین »^۹ انجام می گیرد .

در مدت سه سال بعد از بعثت ، دعوت آشکارا صورت نمی گیرد ، زیرا زمینه و شرایط مناسب وجود نداشته است ، اما هنگامی که شرایط فراهم می شود ، به دستور خداوند به تبلیغ علنی می پردازد . وقتی که کفار از تبلیغ رسول خدا (ص) جلوگیری می کردند ، حضرت از ماههای حرام استفاده می کرد و در بازارهای مثل عکاظ ، مجنه و ذی المجاز حاضر می شد ، در بلندی می ایستاد و مردم را به دین اسلام دعوت می کرد .^{۱۰} در چنین مواردی ، عنصر مکان و زمان در انجام تبلیغ پیامبر (ص) تاثیر داشته است . که از آن نتیجه می گیریم رسول اعظم برای مسلمانها ، بهترین سر مشق در همه زمینه ها است و در روش تبلیغ ، برای مبلغین الگو است تا از روش های آن حضرت بهره ببرند .

نکاتی را که پیامبر (ص) در تبلیغ رعایت می کردند فراوان است و اگر از عنصر زمان و مکان سخن به میان آمد ، برای شاهد و بیان موضوع است .

هدف از فراهم آوردن مطالب مربوط به روش تبلیغی پیامبر (ص) بیان تاریخ نقلی نیست که برای مثال در سال دوم هجرت ، در مدینه منوره چنین تبلیغی با چنان روشی انجام گرفته است بلکه سخن از الگو بودن پیامبر است .

ضروری است که بین الگو و الگو پذیران ، بین پیامبر و امتش ارتباطی برقرار شود ، تا روش او در میان پیروانش تبلور نماید . عالمانی که وارث انبیا اند و رسالت به دوش اند و از خداوند هراس دارند « لما یخشی الله من عباده العلماء ، »^{۱۱} با به بکار بستن روش های تبلیغی پیامبری ، که با استفاده و بهره گیری از منبع وحی سخن می گفت : « وما ینطق عن الهوی ، ان هو الا وحی یوحی »^{۱۲} و از عصمت برخوردار بود و ...

پس هدف در نوشتاری که فرا روی شما قرار دارد این است که مبلغین دینی و دعوت گران مذهبی ، روشهای تبلیغی پیامبر (ص) را به کار گیرند که کاراترین ، مطمئن ترین و نزدیک ترین راه برای انجام رسالت شان می باشد .

یکی از روش های تحقیق در زمینه روش های تبلیغی پیامبر (ص) می تواند ، قرآن باشد . با استفاده از آیات الهی ، روشهای تبلیغ پیامبر (ص) استخراج می شود . شهید آیت الله مطهری در کتاب « سیری در سیره نبوی » مطالبی تحت عنوان ارزش مسئله تبلیغ و شرایط مبلغ و همچنین روش تبلیغ دارند که در هر دو موضوع ، از طریق آیات به بحث می پردازند .

روش دیگر می تواند سخنان خود پیامبر (ص) باشد . محقق با استفاده از کلمات ، متن نامه ها فرمانها ، صلحنامه ها ، با روش های تبلیغی پیامبر (ص) آشنا خواهد شد .
 راه دیگری که امکان استفاده از آن وجود دارد ، بهره جستن از بیانات وارثان معصوم آن حضرت (علیهم السلام) و حضرت فاطمه (س) و صحابه برگزیده می باشد .
 روشی که در این نوشتار به کار گرفته شده ، روش ترکیبی است که بیشترین نگاه به موضوع را از دریچه تاریخ دارد و همچنین نگاهی به آیات ، سخنان پیامبر(ص) و نهج البلاغه فراخور توان ناچیز خویش داشته ام .

پیامبر

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

۱- تبلیغ قبل از بعثت

۱-۱ تبلیغ علیه خرافات :

پیامبر چهار سال داشت و هنوز نزد حلیمه سعیدیه {مادر رضاعی اش} زندگی می کرد . روزی به حلیمه پیشنهاد فرمود که همراه برادران رضاعی خود به صحرا برود .
 حلیمه نقل می کند : فردای آن روز محمد را شستشو دادم و به موهایش روغن زدم ، به چشمانش سرمه کشیدم و برای اینکه دیوهای صحرا به او صدمه نرسانند یک مهره یمنی که در نخ قرار گرفته بود به گردنش آویختم . آن حضرت مهره را از گردن در آورد و به من فرمود : « مهلا یا امه فان می من یحفظنی » مادر جان ! آرام باش ! خدای من که همواره با من است ، نگهدار و حافظ من است .^{۱۳}

دیده می شود که مبارزه پیامبر (ص) علیه خرافات ، همچنان که بعد از بعثت انجام می گرفت قبل از بعثت هم صورت می گرفته است .

۱-۲ اظهار نفرت از لات و عزی :

حضرت محمد (ص) دوازده ساله بود که همراه عموی بزرگوارشان ابوطالب عازم شام شد تا این که در منطقه ای به نام بصری رسیدند و در آنجا فرود آمدند . راهبی مسیحی ، به نام « بحیرا » زمانی که پیامبر را دید ، در سیمای حضرت نشانه هایی مشاهده کرد که فریفته پیامبر شد . به ابوطالب گفت : این طفل آینده درخشانی دارد و ... راهب مسیحی بود و چون کاروان تجاری از مکه رفته بود ، تصور راهب این بود که آنان بت پرست هستند و از همین رو پیامبر را مخاطب قرار داد و

گفت: ای پسر، تو را به لات و عزی سوگند می‌دهم که آنچه از تو می‌پرسم، پاسخ بدهی! پیامبر فرمود: مرا به لات و عزی سوگند مده که چیزی در نظر من مبنفوس تر از این دو نیست. بحیرا گفت: پس تو را به خدا سوگند می‌دهم، سئوالات مرا پاسخ ده. حضرت فرمودند: هر چه می‌خواهی بپرس ...^{۱۳}

۱-۳ انزجار از لات و عزی:

وقتی که پیامبر (ص)، اموال تجاری خدیجه (س) را جهت فروش به شام می‌برد، خدیجه (س) «میسره» یکی از غلامان مورد وثوق خودش را همراه پیامبر فرستاد، تا اوضاع را از دور مراقبت کند و گزارشی مفصل برای او تهیه نماید.

زمانی که پیامبر (ص) به مکه بازگشت، میسره در ضمن گزارش سفر و عملکرد پیامبر (ص) به خدیجه (س) گفت: محمد امین بر سر موضوعی با تاجری اختلاف پیدا نمود، تاجر به امین گفت: به لات و عزی سوگند بخور، تا من سخن تو را بپذیرم. امین در پاسخ او چنین گفت: پست‌ترین و مبنفوس‌ترین موجودات پیش من، همان لات و عزی است که تو آنها را می‌پرستی.^{۱۵} از این دو مورد، یک مطلب استفاده می‌شود که پیامبر در زمان نوجوانی و جوانی، یکتا پرست بوده و در راستای نفی بت‌ها سخن می‌گفته و مبارزه اش، علنی بوده است.

۱-۴ رعایت قوانین جنگی:

رسول اعظم (ص) در سنین جوانی و یا نوجوانی، در چهارمین جنگ فجار همراه عموه‌های خود به شرطی شرکت می‌کند که: آنها از ستم تجاوز، قطع رحم و بهتان خودداری کنید تا من در کنارشان باشم. آنها می‌پذیرند و آن حضرت شرکت می‌ورزد.^{۱۶}

۱-۵ نتیجه عمل پسندیده، نفوذ در قلب‌ها است. «ان‌الذین آمنوا و عملوا الصالحات

سيجمل لهم الرحمن ودا»^{۱۷} کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، خداوند رحمان، محبت آنها را در دل‌ها می‌افکند.

رسول خدا، همواره عمل نیک انجام می‌داد و آراسته به نیکی‌ها بود. کردار و رفتار شایسته اش، سبب گردید تا مورد اعتماد مردم قرار بگیرد و به «محمد امین» معروف شود.

حضرت خدیجه (س)، در امر تجارت، از پیامبر (ص) تقاضای همکاری نمود و پس از مدتی زمینه ازدواج آنها فراهم گردید. خدیجه (س) خطاب به رسول اکرم (ص) اظهار داشت: چیزی که مرا شیفته تو نموده است، همان راستگویی، امانت‌داری و اخلاق پسندیده توست.^{۱۸}

۱-۶ جلب اعتماد و پذیرش حکمیت :

هنگامی که مردم در گفتار و کردار شخصی ، مغایرت ببینند ، هرگز اعتماد به سخن او نخواهند کرد . « اتا مرون الناس بالبر و تسون انفسکم »^{۱۹} . آیا مردم را به نیکوکاری دعوت می کنید ولی از خودتان غافلید .

« لم تقولون ما لا تفعلون »^{۲۰} چرا حرفی می زنید که خودتان به آن عمل نمی کنید .

مردی همراه پسرش خدمت پیامبر (ص) مشرف شد ؛ عرض کرد که پسرش بسیار خرما می خورد . از حبیب خدا تقاضا کرد که به پسرش ، توصیه نماید تا زیاد خرما نخورد . پیامبر(ص) فرمود : پسرت را فردا بیاور ! مرد همراه پسرش ، فردا خدمت پیامبر(ص) رسید و رسول خدا به آن پسر توصیه نمودند که زیاد خرما نخورد . مرد پرسید که یا رسول الله ! چرا دیروز این توصیه را نفرمودید ؟ پیامبر(ص) فرمود : که دیروز خودم ، خرما خورده بودم .

تبلیغ کننده ، آنچه را که تبلیغ می کند ، باید خود انجام داده باشد و در صورت عدم انجام آن ، تبلیغش تاثیری نخواهد داشت .

در زبان پارسی همین سیره تبلیغی پیامبر (ص) ، ضرب المثلی شده است که : « رطب خورده ، منع رطب چون کند » . در هنگام نصب « حجر الاسود » سران قریش دچار اختلاف شدند و هر یک از قبایل می خواست افتخار نصب را به قبیله خود اختصاص دهد و از همین رو اختلاف بین قبایل قریش ظهور کرد و همه آماده جنگ شدند .

سرانجام به توافق رسیدند اولین نفری که از باب بنی شیبه وارد مسجد الحرام شود ، او را به حکمیت برگزینند . در انتظار چنین شخصی بودند که چشمشان به سیمای محمد امین افتاد و همگان اظهار داشتند که او بهترین قضاوت را خواهد نمود و نسبت به حکمیت او رضایت دادند .

به دستور پیامبر(ص) ، جامه ای را پهن کردند و پیامبر حجر الاسود را در آن گذاشت و فرمود رئیس هر قوم گوشه ای از آن جامه را بگیرد تا آن که به محل نصب حجر رسانند . آنگاه خود پیامبر حجر الاسود را برگرفت و در محلی که باید قرار داده می شد ، نصب نمودند . با چنین تدبیر و درایتی ، غائله ختم گردید .^{۲۱}

نتیجه کلام این که پیامبر گرامی اسلام از دوران کودکی تا چهل سالگی و زمان برانگیخته شدن و بعثت ، مبلغ موقفی بوده اند و همگان نسبت به رفتار و گفتار و موضع گیریهای ایشان ، حسن اعتماد داشته و به وی لقب « امین » داده بودند .

حضرت در سال های نزدیک به نبوت از مردم کناره می گرفت و به پرستش خدا می پرداخت . سالی یکماه در کوهی که به نام «حراء» عبادت می کرد ، پس از سپری شدن ماه عبادت ، به مکه

می آمد و پیش از آن که به خانه برود هفت بار یا بیشتر کعبه را طواف می کرد ، سپس به خانه خود می رفت . در یکی از همین سالهای گوشه گیری وی در حراء بود که ، به پیغمبری مبعوث گردید .^{۳۳}

۲- از بعثت تا هجرت :

۲-۱ تبلیغ پنهانی پیامبر (ص)

مقطعی که دعوت پیامبر به صورت مخفی انجام گرفت ، از بعثت آن حضرت آغاز گردید و به مدت سه سال ادامه یافت. بعضی از مورخین چهار و یا پنج سال نیز گفته اند.^{۳۳} باید توجه داشت که دعوت پنهانی نیز در دو مرحله انجام گرفته است :

۲-۲-۱ دعوت از اهل خانه :

وقتی که پیامبر (ص) مبعوث به رسالت شدند، روز دوشنبه بود . پس از فرود از کوه حراء و بازگشت به منزل ، حضرت خدیجه (س) به دعوت همسرش پاسخ مثبت داد و به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر گواهی داد . روز سه شنبه ، یک روز پس از بعثت بود که پسر عموی پیامبر (ص) علی ابن ابیطالب (ع) ایمان آورد . در این هنگام علی (ع) تحت سرپرستی پیامبر قرار داشت و جزء خانواده آن حضرت به حساب می آمد .

سومین نفر عضو خانواده پیامبر ، زید بن حارث بود که مسلمان گردید که او فرزند خوانده پیامبر بود . بعضی گفته اند که بعد از علی ابن ابیطالب (ع) و زیدبن حارثه ، ابوذر اسلام آورد و برخی گفته اند که ابوبکر پیش از ابوذر سپس عمر بن عبسه و بعد خالدبن سعید بود .^{۳۴} پیامبر روز دوشنبه مبعوث شد و علی روز سه شنبه نماز کرد .^{۳۵}

۲-۱-۲ دعوت مخفی از عناصر مورد اعتماد:

افرادی که در این مرحله پس از شناسایی ، دعوت شدند و اسلام را پذیرفتند از این قرارند : ابوبکر ، زبیربن عوام ، عثمان بن عفان ، سعد بن ابی وقاص^{۳۶} ، ابوذر غفاری ، یاسر ، سمیه ، عمار ، بلال ، جعفر ابن ابیطالب ، خباب بن ارت ، حمزه ، عبد الله مسعود ، ارقم بن ابی ارقم و ...^{۳۷} شرایط زمانی و مکانی ، موجب گردید که دعوت پیغمبر به صورت مخفی انجام گیرد . افرادی که زمینه پذیرش اسلام در آنها وجود داشت ، مورد شناسایی قرار می گرفت و سپس از طریق دوستان مسلمان آنها دعوت می شدند و به محضر پیامبر ، آورده می شدند تا اظهار مسلمانی نموده و به جمع آنان بپیوندند .

پیغمبر

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

افرادی که ایمان می آوردند، تحت آموزش قرار می گرفتند تا به عنوان کادر ورزیده به تبلیغ بپردازند و در آینده بتوانند مسئولیتهای سنگین و خطیر را به خوبی انجام دهند و با مشکلات پنجه نرم کنند، و چون بنیان مرصوص همیشه استوار و محکم و پایدار بمانند.

تعدادی که در طی دعوت مخفی، مسلمان شدند به چهل نفر رسیدند که بیشتر آنان از طبقات پایین و متوسط جامعه بودند و همواره مورد آزار و اذیت و شکنجه مشرکان قریش قرار می گرفتند.^{۲۸} برخی شمار مسلمانان را در این مقطع زمانی قریب پنجاه نفر دانسته اند.^{۲۹}

مشرکین کلیه رفت و آمدها را کنترل می کردند و به آزار مسلمین دست می یازیدند. پیامبر(ص) و یارانش به هنگام نماز و پرستش خدا، از مردم پنهان می شدند و در شکاف کوهها و جاهای دور از رفت و آمد نماز می گزاردند. اندک اندک اسلام در مکه پراکنده شد.^{۳۰}

با آنکه مسلمانها که برای رفت و آمد به دره ها پناه می بردند و اصول پنهانکاری و تقیه را مراعات می کردند، روزی مشرکان ایجاد مزاحمت نموده و سعد بن ابی وقاص مجبور شد با استخوان فک شتر، مردی از مشرکان را زخمی کردند. پس از این واقعه بود که پیامبر اکرم به یاران خود دستور داد تا در خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی بروند و در آنجا به عبادت مشغول شوند.

سرای ارقم نخستین پایگاه سری مسلمانان گردید. رسول خدا به صورت پنهانی با یاران خویش در سرای ارقم نماز می گزارد. تعداد کسانی را که در سرای ارقم مسلمان شدند از هشت تا بیست و پنج نفر گفته اند.^{۳۱} در مدت زمانی که سرای ارقم محل عبادت مسلمان ها بوده اختلاف است، و آن را از یک ماه تا چهار سال نوشته اند.^{۳۲} آنچه مسلم است، پناه بردن مسلمانان در خانه ارقم قبل از علنی شدن دعوت بوده و بعد از آن، دعوت شکل علنی به خود می گیرد.^{۳۳}

محمد ابو زهره نظرش این است که در زمان دعوت پنهانی، تعداد مسلمانان به هشتاد و سه نفر رسیدند.^{۳۴}

در مدت دعوت مخفی، به فرد سازی پرداخته می شد و افراد به پرستش خدای یگانه دعوت می گردید. این روش تبلیغی پیامبر، برای سران قریش حساسیت برانگیز نبود و چون روش پیامبر، تبلیغ گام به گام بود و از مرحله سری بودن به مرحله علنی گام نهاد، برخورد مشرکان نیز تغییر یافت. آنها موقعیت خدایان و منافع خویش را در خطر دیدند و به ساماندهی و بسیج توان خود اقدام نمودند.

سفیر

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

۲-۱-۳ تبلیغ آشکار خویشاوندان

سه سال از بعثت پیامبر (ص) و دعوت سری آن حضرت گذشته بود که آیه « و انذر عشیرتک الاقرین »^{۳۵} یعنی : خویشاوندان نزدیک خود را از عذاب الهی بترسان . برای دست زدن به یک برنامه انقلابی گسترده نازل شد.

باید از حلقه های کوچکتر و فشرده تر شروع می کرد ، و چه بهتر اینکه پیامبر (ص) دعوت را از بستگانش شروع کند ، که هم سوابق پاکی او را بهتر از همه می شناسند و هم پیوند خویشاوندی نزدیک ایجاد می کند که به سخنانش بیش از دیگران گوش فرا دهند ، و از حسادتها و کینه توزیها و انتخاب موضع خصمانه ، دورترند .^{۳۶}

پیامبر (ص) خویشاوندان خود را در خانه ابوطالب دعوت کرد . پس از صرف غذا هنگامی که پیامبر (ص) می خواست مأموریت خود را ابلاغ کند ، ابولهب با گفته های خود زمینه را از میان برد ، لذا فردای همان روز دعوت مجدد بعمل آمد و به آن ها غذا داده شد . پیامبر (ص) بعد از صرف غذا فرمود : ای فرزندان عبدالمطلب ! به خدا سوگند هیچ جوانی را در عرب نمی شناسم که برای قومش چیزی بهتر از آنچه من آورده ام آورده باشد ، من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام و خداوند به من گفته که شما مرا در این کار یاری خواهید کرد ، تا برادر وصی و جانشین من باشید ؟

جمعیت همگی سرباز زدند . علی (ع) که از همه کوچکتر بود برخاست و عرض کرد : ای پیامبر خدا ! من در این راه یار و یاور توام ، پیامبر (ص) دست بر گردن علی (ع) نهاد و فرمود : « ان هذا اخي ووصی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوه » این برادر و وصی و جانشین من در بین شماست ، سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید .^{۳۷}

قندوزی به نقل از علی (ع) نوشته است که چون آیه « و انذر عشیرتک الاقرین » نازل شد پیامبر (ص) فرمود : چه کسی از شما با من بیعت می کند تا برادر و رفیقم در بهشت باشد ؟ من قیام کردم و کس دیگری قیام نکرد ... تا اینکه در مرحله سوم تکرار شد و پیامبر فرمود : « هو اخي و صاحبی فی الجنة » . او برادرم و رفیقم در بهشت است .^{۳۸} بیعت علی (ع) در یوم الدار با ایمان آن حضرت در روز بعد از بعثت ، منافاتی ندارد . روایت ذکر شده را قندوزی از امیر المومنین نقل می کند که حاکی از بیعت در یوم الدار است . سخن دیگری از مولا است که حاکی از پذیرش اسلام در آغاز بعثت دارد .

پیامبر

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

قال علی (ع) : « ولم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله (ص) و خدیجه و انا ثالثهما »^{۳۹} در آن روزها ، در هیچ خانه ی اسلام راه نیافت ، جز خانه رسول خدا (ص) که خدیجه هم در آن بود و من سومین آنان بودم.

شرایط تبلیغی حضرت موسی و حضرت محمد (ص)

حضرت موسی نیازهای تبلیغی خودش را از خداوند تقاضا می کند تا واجد شرایط گردیده و در تبلیغ بتواند موفقیت بدست آورد .

سفر

- ۱- « رب اشرح لی صدری » آغازین خواسته موسی ، فراخی سینه است تا تحملش زیاد شود . تبلیغ رسالت ، و محنت و رنج دارد ، اگر سعه صدر نباشد ، تحمل آن همه رنج ممکن نخواهد بود .
- ۲- « ویسر لی امری » و کارم را برابرم آسان گردان . مراد از « امر » همان امر رسالت است .^{۴۰}
- ۳- « واحلل عقدہ من لسانی ، یفقهوا قولی » گره از زبانم بگشای ، تا سخنان مرا بفهند .

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

- ۴- « واجعل لی وزیرا من اهلی هرون اخی » امر رسالت امری است کثیر الاطراف او به تنهایی نمی تواند به همه جوانب آن برسد ، ناگزیر وزیر ی لازم دارد که در امر رسالت با او شرکت جوید .^{۴۱} هنگامی که موسی به دنبال آتش رفت و مبعوث به رسالت شد تا به مصر برود و تبلیغش را آغاز نماید، احساس می کند که تبلیغ یک مسئولیت بسیار سنگین است و لذا تقاضایی را مطرح می کند . از آیه بیست و پنج سوره طه تا آیه سی و پنج ، این تقاضای موسی (ع) بیان شده است . موسی نیاز به یک نفر همکار جدی و قابل اطمینان و اعتماد داشت تا پشتش محکم شود . او را در مأموریت تبلیغی اش کمک نماید .

۵۱

همین نیازمندیها به گونه دیگر برای رسول اکرم حضرت محمد (ص) مطرح می شود، اما در مورد پیامبر اکرم (ص) خداوند به رسولش خبر می دهد که به نیازهای توجیه کردیم : « اتم نشر لک صدرك » آیا ما به تو شرح صدر ندادیم . « و وضعنا حنک و زرک » این بار سنگین را از دوش تو نهادیم تا آنجا که می رسد به « فاذا فرغت فانصب والی ریک فارغب » پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می شوی به مهم دیگری بپرداز ، و به سوی پروردگارت توجه کن .^{۴۲}

موسی از خداوند می خواهد که برادرش هارون به عنوان وزیرش منصوب شود تا قسمتی از وظایف را ، انجام دهد . پیامبر اسلام در یوم الدار خطاب به علی (ع) می فرماید : تو برادر و رفیقم

در بهشت هستی . و یا در حدیث منزلت فرموده است که : « أنت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبي بعدي »^{۳۳} تو همانند هارون برای موسی ، برادر و جانشین من هستی و تنها تفاوت در این است که پیامبری بعد از من نخواهد بود . این روایت را شیعه و سنی بصورت متواتر نقل کرده اند . پیامبر (ص) در ضمن اینکه خویشاوندان خود را به اسلام دعوت می کند به یکی از روشهای تبلیغی موثر نیز اقدام می نماید و آن روش ، گزینش و معرفی همکار توانمند ، و قابل اعتماد است . یعنی حضور علی (ع) و سهیم شدن او در امر تبلیغ اسلام و حفظ و پاسداری از ارزشهای اسلامی بود حضرت علی (ع) در کنار پیامبر گرامی اسلام تاثیرات مثبتی داشته است . چون امامت ، استمرار و تداوم نبوت است .

در دعوتی که جهت اعلان خطر برای خویشاوندان برگزار شده بود حدود ۴۵ نفر از سران بنی هاشم شرکت داشت .^{۳۴} آن طوری که ابو زهره بیان نموده ، پیامبر (ص) سران قریش را دعوت کرد یعنی از قبایل زیر مجموعه قریش .^{۳۵} این نظر مخدوش به نظر می رسد که تنها بنی هاشم دعوت شده بودند . در این دعوت بود که صفیه و فاطمه همسر ابوطالب ایمان آوردند .

تبلیغ آشکار و عمومی

بعد از سه سال تبلیغ نهانی و سری پیامبر (ص) آیه ، « انذار » نازل شد تا خویشاوندان خودش را اعلان خطر نماید و در پی آن آیه « فاصدع بما تومروا مرض عن المشركين . »^{۳۶} آنچه را ماموریت داری آشکارا بیان کن ! و از مشرکان روی گردان . نازل گردید تا دعوت همگانی به صورت علنی انجام پذیرد . پیامبر(ص) روزی در کوه صفا ، با صدای بلندی فریاد برآورد : « یا صباحاه » عرب خبرهای وحشت انگیز را با این کلمه آغاز می کند . وقتی که تعدادی به حضور پیامبر جمع شدند ، فرمود : ای مردم هرگاه من به شما گزارش دهم که پشت این کوه دشمنان شما موضع گرفته اند و قصد جان و مال شما را دارند آیا مرا تصدیق می کنید ؟ همگی گفتند : ما در طول زندگی از تو دروغی نشنیده ایم . سپس فرمود : ای گروه قریش خود را از آتش نجات دهید من برای شما در پیشگاه خدا نمی توانم کاری انجام دهم من شما را از عذاب دردناک می ترسانم . سپس افزود : موقعیت من

همان موقعیت دیده بانی است که دشمن را از نقطه دوری می بیند و سریع برای نجات قوم خود به سوی آنان شتافته و با شعار مخصوص یا صباحاه آن ها را از پیشامد با خبر می سازد.^{۲۷}

هنگامی که آیه « فاصدع بما تومر ... » نازل شد رسول خدا (ص) در حجر اسماعیل ایستاد و فرمود: ای گروه قریش و ای مردم عرب من شما را دعوت می کنم به اینکه شهادت دهید خدای جز خدای یکتا نیست و این که من فرستاده اویم و من شما را دستور می دهم به اینکه بت ها را دور افکنید و دستور مرا بپذیرید تا به این وسیله بر عرب فرمانروا شوید و مردمان غیر عرب نیز فرمانبردار شما شوند و در بهشت نیز فرمانروایان باشید.^{۲۸}

پیامبر (ص)، تبلیغ علنی خود را با سخنرانی و در جمع مردم یا مطالبی که بیان شد انجام دادند اینک سخنرانی در کوه صفا در مرحله نخست بوده و سخنرانی در حجر اسماعیل در مرحله دوم، مشخص نیست، اما آنچه مهم است شروع دعوت علنی پیامبر از مردم مکه می باشد.

پایداری پیامبر(ص) در تبلیغ

وقتی که دعوت پیامبر (ص) علنی نبود و افراد کمی به صورت انفرادی مسلمان می شدند رسول خدا (ص) به توحید، معاد و نبوت و مسائلی که برای مشرکین بسیار حساسیت برانگیز نبود، خلاصه می شد. ولی با تغییر شرایط، دعوت پیامبر علنی شد و سران شرک، موقعیت اقتصادی و سیاسی خودشان را در معرض تهدید و نابودی دیدند. به موازات دعوت پیامبر (ص) و افزایش تعداد مسلمانان، سران قریش به میزان تبلیغات خود را افزودند و به انواع ترفند های تبلیغی دست زدند و به اذیت و آزار و ضرب و جرح مسلمانان به صورت وسیع پرداختند. مسلمانان هایی که وابستگی قومی به یکی از قبایل مقتدر مکه داشت، کمتر مورد حملات فیزیکی قرار می گرفتند. ولی برده هایی که تازه مسلمان شده بودند و یا از قبایلی بودند که قبیله شان ساکن مکه نبود و یا ضعیف بودند، همواره شکنجه می شدند و با خطر جدی مواجه می گردیدند.

رسول اعظم (ص) برای حفظ جان مسلمانانی که در مکه زیر شکنجه جسمی قرار داشته اند و توان حمایت از آنها وجود نداشت، دستور هجرت آنان را به حبشه صادر فرمودند. چون پادشاه حبشه شخصی مسیحی و عدالت گستر بود.

سران قریش برای بازگرداندن مهاجران مسلمان، هیتی را به همراه تحفه های فراوان نزد پادشاه حبشه فرستادند، که با بیانات زیبا و پر محتوای « جعفر بن ابی طالب » و اثرگذاری آن بر شخص پادشاه این عمل، کفار مکه با شکست مواجه شد.

مشرکین مکه به ابوطالب پیشنهاد کردند که ما یک نفر از خودمان را به تو می سپاریم و تو در عوض آن ، محمد امین را به ما بسپار. یک مرتبه نزد ابوطالب آمدند و گفتند : « برادر زاده ات از خدایان به زشتی یاد می کند و از دین ما عیب جوئی می کند و به ما نسبت سفاهت می دهد و نیاکان ما را گمراه می شمارد ، یا باید از او جلوگیری کنی یا او را به ما واگذاری. » ابوطالب کسی را نزد پیامبر(ص) فرستاد، تا حرف قریش را منتقل نماید و نیز ابوطالب به پیامبر(ص) پیام داد که : « برجان من و خودت رحم کن و چیزی که طاقتش را ندارم بر من تحمیل نما. »

پیامبر(ص) فرمود : « عمو ! به خدا اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند که این امر را رها کنم ، رها نخواهم کرد ، تا خدا نصرت دهد یا کشته شوم. »^{۴۹}

پس از آنکه حمزه عموی پیامبر(ص) ، مسلمان شد و یاران حضرت فزونی گرفت عقبه بن ربیعہ که از سران بود نزد پیامبر(ص) رفت و گفت : « اگر مال می خواهی برایت جمع کنیم تا از ما ثروتمندتر شوی و اگر مقام و ریاست می خواهی به تو می دهیم و اگر سلطنت می خواهی ، برایت فراهم می کنیم. » پیامبر(ص) فرمود : « ای ابا ولید ، سخت تمام شد ؟ » عرض کرد : آری . فرمود : از من بشنو . عقبه گفت : بگو پیامبر(ص) فرمود : « بسم الله الرحمن الرحيم . حم . تنزيل من الرحمان الرحيم . کتاب فصلت آیاتہ قرآنا عربیا لقوم یعلمون . بشیرا و نذیرا فاعرض اکثرهم فهم لا یسمعون و قالوا قلوبنا فی آئنه مما تدرهنا الیه و فی آذاننا و قر و من بینا و بینک حجاب فاعمل اننا عاملون . »^{۵۰} ، {به نام خداوند بخشنده مهربان . حم . این است کتابی که از سوی خداوند رحمان و رحیم نازل شده است ! کتابی است که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده ، در حالی که فصیح و گویا است . برای جمعیتی که آگاهنده ، قرآنی که بشارت دهنده و بیم دهنده است ، ولی بیشتر آنان رویگردان شدند از این رو چیزی نمی شنوند . گفتند : قلب های ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می کنی در پوششهایی قرار گرفته و در گوشه های ما سنگینی است ، و میان ما و تو حجابی وجود دارد ، پس تو به دنبال عمل خویش باش ، ما هم برای خود عمل می کنیم. }

عقبه آن چنان تحت تاثیر آیات قرآن قرار گرفت که در بازگشت پیش رفقای خود گفت : او را رها کنید و از این به بعد من با شما نخواهم بود .^{۵۱}

یکی از اقدام های مهم مشرکین ، پیمانی بود که به امضاء رساندند و آن را در خانه خدا آویختند . پیمان حاوی مطالبی بود چون ، به فرزندان هاشم و عبد المطلب زن ندهند و نگیرند ، چیزی به آنها نفروشند و نخرند .^{۵۲}

وقتی که مشرکین از بازگرداندن مهاجرین مسلمان از حبشه مأیوس شدند و دامنه تبلیغات پیامبر، روز به روز فراختر و گسترده تر می شد، مشرکین خواستند، که تا مسلمانان را تحت فشار اقتصادی قرار داده و ارتباط آنها را با مردم قطع کنند تا زمینه تبلیغی پیامبر محدود شود، اما مقاومت پیامبر و یارانش سبب سست شدن پیمان مشرکین گردید و نیز موریانه به جز نام خدا- عهد نامه را از بین برده بود.

تبلیغ در حبشه :

در سال پنجم بعثت، در دو نوبت بیش از هشتاد نفر مرد و زن به حبشه مهاجرت نمودند. وقتی که نماینده اعزامی قریش به حبشه، خواستار بازگرداندن مهاجران گردید، پادشاه، که شخصی ژرف نگر بود، تحت تاثیر سخنان نماینده قریش به قرار نگرفت خواست که موضوع را درست ارزیابی نماید. لذا مهاجرین را در مجلس احضار کرد تا حرف ها و استدلال آنها را بشنود. جعفر بن ابی طالب به نمایندگی از جانب مهاجرین در آن محفل سخن گفت که فزاینده از آن آورده می شود:

ما گروهی بودیم نادان و بت پرست! از مردار، اجتناب نمی کردیم و پیوسته به گرد کارهای زشت بودیم، همسایه نزد ما احترام نداشت، ضعیف و افتاده، محکوم زورمندان بود، با خویشاوندان خود به ستیز و جنگ بر می خاستیم، روزگاری به این منوال بودیم، تا اینکه یک نفر از میان ما که سابقه درخشانی در پاکی و رستگاری داشت، برخاست و به فرمان خدا ما را به توحید و یکتا پرستی دعوت نمود و ستایش بتان را نکوهیده شمرد و دستور داد در رد امانت بکوشیم و از ناپاکیها اجتناب ورزیم، با خویشاوندان و همسایگان خوشرفتاری نماییم، از خونریزی و آمیزشهای نا مشروع، شهادت دروغ، خیانت در اموال یتیمان و نسبت دادن زنان به کارهای زشت دور باشیم. اشک در چشمان شاه حلقه زد و از جعفر خواست تا مقداری از کتاب آسمانی پیامبر خود را بخواند.

جعفر آیاتی چند از سوره مریم را خواند. هنوز آیات سوره به آخر نرسیده بود که صدای گریه شاه و اسقف ها بلند شد و قطرات اشک، محاسن و کتابهایی را که در برابر آنها باز بود، تر نمود! پس از مدتی، سکوت مجلس را فرا گرفت و زمزمه ها خوابید. شاه به سخن درآمد و گفت: «گفتار پیامبر اینها و آنچه را که عیسی آورده است از یک منبع سرچشمه می گیرند، بروید، من هرگز اینها را به شما تسلیم نخواهم نمود.»^{۵۲}

نجاشی پادشاه حبشه ، خواست بیشتر از دیدگاه اسلام آگاهی پیدا کند و لذا هیات مهاجران را طلب کرد و گفت : درباره مسیح عقیده شما چیست ؟

جعفر سخنگوی مهاجران پاسخ داد : عقیده ما درباره حضرت مسیح ، همانست که پیامبر ما خبر داده است . وی بنده و پیامبر خدا بود ، روح و کلمه ای از ناحیه او بود ، که به مریم عطا نمود.^{۵۴} تاثیرات تبلیغ ، جعفر بن ابی طالب در حبشه فراوان بود که یکی از نتایج آن ، اعزام هیات تحقیقی مسیحیان حبشه به مکه بود . حدود بیست نفر به حضور پیامبر اسلام ، مشرف شدند و پاسخهای سوالات خود را از رسول خدا گرفتند . پیامبر (ص) آنها را به دین اسلام دعوت نمود و آیاتی چند از قرآن را برای آنها تلاوت فرمودند.^{۵۵}

سفر تبلیغاتی پیامبر (ص) به طایف :

در سال دهم بعثت ، ابوطالب و خدیجه(س) فوت نمودند و پیامبر (ص) دو نفر از یاران قدرتمند خود را از دست داد . و از همین روی آن سال « عام الحزن » نامیده شد . بعد از فوت این دو نفر ، سران قریش با جرات بیشتر ، عرصه ی تبلیغ را به پیغمبر تنگ نمود . رسول اعظم (ص) تصمیم گرفت تا سفر نماید که این سفر در سال یازده بعثت انجام گرفت . پیامبر(ص) در این سفر ، سه نفر برادر که آن روز سروران قبیله ثقیف بودند یعنی عبد اللیل بن عمرو و مسعود بن عمرو و حبیب بن عمرو برخورد کرد و خود را بر آنها عرضه داشت .^{۵۶} پیامبر (ص) ده روز در طایف ماند و میان تیره های مختلف آنان گشت و آنان را به اسلام فرا می خواند ولی آنان نمی پذیرفتند و به علاوه ، احمقان و غلامان خود را تشویق می کردند تا گرد پیامبر(ص) جمع شده و او را با سنگ بزنند . پیامبر(ص) به دیوار باغ عتبه و شیبه پسران ربیع پناه برد . خون از ساقهای پیامبر(ص) می ریخت و علی (ع) از او دفاع می نمود تا سرش شکست .^{۵۷} عتبه و شیبه که از خاندان عبد شمس بودند بدست غلامشان عداس ، انگوری برای ایشان فرستادند . پیامبر(ص) به سوی انگور برد و بسم الله گفت . صحبتهایی که پیامبر با این مرد مسیحی نمود در او تاثیر گذاشت . و او اسلام را پذیرفت . عداس به پای آن حضرت افتاده سر و دست ها و پاهای وی را می بوسید .^{۵۸}

تبلیغ سایر قبایل به صورت عمومی

رسول اکرم (ص) در آغاز سال یازدهم بعثت سفر تبلیغی به طائف داشتند ، اما در بازگشت به مکه ، روش تبلیغ خود را تغییر دادند . هر چه در گذشته افرادی از قبایل دیگر به اسلام دعوت

می شدند - مانند ابوذر غفاری که پس از پذیرش آیین اسلام ، جهت تبلیغ قبیله خود به بین آنها اعزام شد و قومش اسلام را پذیرفتند - ولی بیشتر تبلیغ متوجه قریش بود و دعوت دیگران به صورت جنبی انجام می گرفت . پس از سفر طائف ، دعوت سایر قبایل به صورت گسترده و جدی شروع گردید . در موسم حج که قبایل دیگر به مکه روی می آوردند ، دعوت به اسلام می شدند . از قبایلی که در این موسم مورد دعوت قرار گرفتند از قبیله ی کنده ، کلب ، بنو حنیفه ، بنوعامر بن صعصعه و نیز از بنی عبس ، غسان ، بنی محارب و شیبان بن ثعلبه نام برده شده است .

روایتی از جابر بن عبدالله است که گفت : نبی اکرم در موقوف (حج) خود را بر قبایل عرضه می نمود و می گفت: « آیا کسی نیست که قومش را بر من عرضه کند زیرا قریش مرا از این که پیام پروردگار را برسانم منع کردند.»^{۵۹}

پیامبر در موسم حج در بازار عکاظ و مجبه و ذی المجاز از فرصت استفاده می کرد و بر اثر حرام بودن جنگ ، در ماههای حرام ، از عدم تعرض بت پرستان مطمئن بود از این رو در نقطه بلندی قرار می گرفت رو به مردم می کرد و می فرمود: « به وجدانیت خدا اعتراف کنید ، تا رستگار شوید ، با نیروی ایمان می توانید زمام قدرت جهان را به دست گیرید ، و تمام مردم را زیر فرمان درآورید و در آخرت در بهشت برین جای گزینید.»^{۶۰}

تبلیغ مردم در مراسم حج

گاهی میان یهودیان و عربهای بت پرست شهر مدینه نزاع در می گرفت و یهودیان به اعراب می گفتند: « بزودی پیغمبری از نژاد اسرائیل خواهد آمد و سرپرستی ما را به عهده خواهد گرفت و ما بر شما ریاست خواهیم یافت.»

بدین ترتیب زمینه ظهور پیغمبر در ذهن مردم یثرب آماده بود .^{۶۱} و نیز جنگ طولانی بین اوس و خزرج ، آنها را خسته کرده بود و برای رهایی از آن به دنبال فرصت بودند .

افرادی چون سوید بن صامت و انس بن رافع از مردم مدینه ایمان آوردند ولی آنچه زمینه را برای هجرت هموار نمودن و مسائل بعدی در مدینه مساعد نمود ، ملاقات پیامبر (ص) با چند نفر از قبیله خزرج در موسم حج سال ۱۱ بعثت بود . آنها شنیده بودند که پیامبری از بنی اسرائیل ظهور خواهد کرد و لذا خواستند از رقبای خود یعنی قوم یهود پیشی گیرند و آیین اسلام را قبول نموده به مدینه بازگشتند و به تبلیغ همت نمودند .^{۶۲} و در همه جای مدینه صحبت از پیامبر و آئین او بود .^{۶۳} در سال ۱۲ بعثت و به هنگام حج ۱۲ نفر از مردم مدینه ، در عقبه بین منی و مکه به فاصله دو مایل از شهر است) با پیامبر ملاقات و بیعت نمودند . و نخستین پیمان اسلامی بسته شد . بیعت

آنان این بود که به خدا شرک نیاورند ، دزدی نکنند ، زنا نکنند ، فرزندان خود را نکشند ، برکسی تهمت نزنند ، در کارهای خیر که محمد (ص) دستور می دهد از او اطاعت کنند .

پیامبر(ص) مردی را به نام مصعب بن عمیر ، همواره آنان به یثرب فرستاد تا قرآن را به مردم تعلیم دهد و ضمناً می خواست از وضع شهر و مقدار استقبال مردم از اسلام مطلع شود .

در سال ۱۳ بعثت ، دومین پیمان عقبه منعقد گردید . هفتاد و سه نفر بیعت کردند که دو نفرشان زن بود . بیعت آنان این چنین بود که ، به یاری او با دشمنان خدا بیکار کنند و این بیعت را بیت الحرب نامیدند و پس از این بیعت بود که پیامبر به مسلمانان اجازه داد تا به یثرب بروند و آنان به آن شهر رفتند و مردم یثرب بخوبی از ایشان پذیرایی کردند .^{۶۴}

در همه این شرایط سخت و دشواری که پیامبر به تبلیغ می پرداخت و از فرصت ها استفاده بهینه می نمود ، همواره مورد تعقیب سران قریش به ویژه ، تعقیب ابو لهب قرار داشت . گاهی پیامبر مشغول سخن بود که ابو لهب از پشت سر ظاهر می شد ، و می گفت : مردم سخن او را باور نکنید ، زیرا او با ائین نیاکان شما سر جنگ دارد و سخنان او بی پایه است . مخالفت وی ، تبلیغات حضرت را درباره سران قبایل کم اثر می نمود و با خود می گفتند : اگر آیین وی صحیح و ثمر بخش بود ، هرگز فامیل او با او به جنگ بر نمی خواستند .^{۶۵}

هجرت پیامبر به مدینه جهت تبلیغ

هنگامی که سران قریش از موفقیت های پیامبر(ص) در مدینه اطلاع یافتند ، احساس خطر نمودند و در « دار النوده » طرح قتل پیامبر را ریختند و در نتیجه پیامبر(ص) ، مکه را به قصد مدینه ترک گفت . پیامبر (ص) روز دوازدهم ربیع الاول سال چهاردهم بعثت برابر با بیست و چهارم سپتامبر سال ۶۲۳ میلادی وارد قبا شدند . اما اول ، سال را ، از اول محرم گرفتند چون محرم اولین ماه سال قمری بود .^{۶۶} رسول گرامی روز جمعه وارد مدینه گردید و نماز جمعه را با اصحاب خود به جا آورد ، و خطبه بلینی خواند که در اعماق قلوب آنها که تا آن روز با چنین کلمات و مضامین آشنا نبودند اثر بدیعی گذارد .^{۶۷}

پیامبر(ص) در مدینه روشهایی را برای تبلیغ اسلام دنبال نمودند ، که فرستادن نامه برای سران کشورها و قبایل ، اعزام مبلغ ، مذاکره با نمایندگان اقوام و مذاهب ، تهیه و امضاء معاهدات و ... بود ، که به قسمت هایی از این روشهای تبلیغی پیامبر(ص) پرداخته می شود .

روشهای تبلیغی پیامبر(ص) در مدینه

۱- ساختن مساجد، مرکز تبلیغ و تصمیم گیری

برای تبلیغ نیاز به مکان مناسب بود. پیامبر برای ساختن مسجد بسیار تلاش نمود که اهمیت دادن آن را می توان در رفتار پیامبر اکرم (ص) هنگام ساختن مسجد قبا و مسجد النبی درک نمود. به مدت هفت ماه ساختن مسجد النبی بر اثر سعی پیغمبر ساخته شد.

تعداد مساجد مدینه به نه عدد می رسید که عبارت بودند از: ۱- مسجد بنی عمرو بن مبنول از بنی نجار ۲- مسجد بنی ساعده از خزرج ۳- مسجد بنی رافع ۴- مسجد بنی زریق ۸- مسجد بنی اسلم ۹- مسجد بنی جهینه در این مساجد نمازهای یومیه خوانده می شد و شخص پیامبر روزهای جمعه، نماز جمعه را اقامه می کردند و در خطبه های آن، آنچه لازم بود تبلیغ می فرمودند بسیج نیروی رزمی برای دفاع و جهاد در همین مساجد صورت می گرفت و به جبهات اعزام می گردید، قضاوتها و رفع دعاوی و مخاصمات در مسجد، انجام می شد. هیئت هایی که جهت مذاکره و یا مسلمان شدن به حضور پیامبر می رسیدند در مسجد جلسات برگزار می شد و ...

۲- اعزام گروه تبلیغی

پیامبر(ص) به تقاضای نمایندگان قبایل «عضل» و «قاره» دسته ای را به فرماندهی مرثد همراه نمایندگان قبایل، به آن نقاط فرستاد. آنها به آبگامی به نام «رجیع» رسیدند که توسط نمایندگان قبایل به محاصره در آمدند. اکثر نیروهای اعزامی تصمیم به نبرد گرفتند و همه شهید شدند یک نفر در مسیر به شهادت رسید و دو نفر دیگر در مکه توسط سران قریش اعدام گردیدند.^{۶۸}

در ماه صفر سال چهارم، هنوز خبر شهادت مبلغین در سرزمین «رجیع» به پیامبر(ص) نرسیده بود، که به تقاضای «ابو براء عامری» چهل نفر به «نجد» اعزام شد. آنها از رجال علمی، اسلامی و حافظ قرآن و احکام بودند، به فرماندهی «منذر» رهسپار منطقه «نجد» گردیدند. آنها در منطقه «بئر معونه» شهید شدند و تنها «کعب بن زید» با بدن مجروح خود را مدینه رساند و جریان را اطلاع داد.^{۶۹}

در ماه ربیع سال هشتم «کعب بن عمیر غفاری» از طرف پیامبر(ص)، مأموریت یافت که با ۱۵ نفر، که همگی به سلاح تبلیغ مجهز بودند، به سرزمین «ذات اطلاح» رفته و مردم آنجا را به یکتاپرستی دعوت کند. سرانجام مردم آن سامان، هیئت تبلیغی را مورد هجوم خود قرار داده و به شهادت رساندند و تنها یک نفر زخمی که در میان کشتگان افتاده بود، نیمه شب از جای خود برخاست و راه مدینه را در پیش گرفت، و جریان را به عرض پیامبر رسانید.^{۷۰}

پیامبر

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

همه مبلغین اعزامی با چنین حوادثی مواجه نشدند، برخی از آنها با موفقیت به انجام رسالت تبلیغی خود می پرداختند، و دسته و قبیله ای را معتقد و مومن به اسلام می نمودند.

۳- اعزام معاذ بن جبل به یمن

پیامبر(ص) هنگام اعزام معاذ ، نکاتی را به او توصیه می کند که در خور توجه است و روش تبلیغی پیامبر را به خوبی آشکار می کند، پیامبر(ص) به او فرمود: «یسرولا تعسرو بشرولا تنفرو..»^{۷۱} دو روش تبلیغی در همین جمله بیان شده است!

الف : با مردم آسان بگیر و سخت نگیر ،

ب : به مردم مژده بده و به آینده روشن بخوان و نوید بده و برای آنها تنفر و نفرت نسبت به اسلام ایجاد نکن .

طبعاً توصیه پیامبر (ص) برگرفته از سخن خدا است که فرموده: «یا ایها النبی انارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا»^{۷۲} ای پیامبر! ما تو راه گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار کننده ،

علامه طباطبائی می فرماید: مومنین مطیع خدا و رسول را به ثواب خدا و بهشت بشارت ، و کفار را به عذاب خدا و آتش او انذار می دهد .^{۷۳} سبب اینکه «تبشیر» مقدم بر «انذار» شده این است که به تبشیر باید بیشتر اهمیت داده شود .

و نیز می فرماید: «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر...»^{۷۴} خداوند راحتی شما را می خواهد نه زحمت شما را .

سپس پیامبر(ص) به معاذ می فرماید: «وانک ستقدم علی قوم من اهل الکتاب ، یستلونک ما مفتاح الجنة ، فقل: شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شریک له»^{۷۵} ای معاذ در یمن با قومی از اهل کتاب مواجه می شوی که از تو می پرسند که کلید بهشت چیست؟ به آنان بگو: اعتراف به یگانگی و بی همتائی خداوند .

در کتاب «تحف العقول» سفارشی است از رسول خدا (ص) به معاذ بن جبل ، فرازهایی از آن را که به بحث ما ارتباط مستقیم دارد ، ذکر می کنیم: «یا معاذ علمهم کتاب الله و احسن ادبهم علی الاخلاق الصالحه... و علیک بالرفق و العفو فی غیر ترک للحق یقول الجاهل قد ترکت من حق الله... ثم بث فیهم المعلمین و اهد الله الذی الیه ترجع ولا تحف فی الله لومه لادم و اوصیک بتقوی الله و صدق الحدیث و الرفاه بالمهد و اداء الامانه ، و ترک الخیانه ، و لین الکلام .» ای معاذ! قرآن خدا را بدانها پیاموز ، آنان را به

پیامبر

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

۶۰

اخلاق خوب پرورش بده ، ... بر تو باد نرمش و گذشت، در غیر مورد ترک حق که نادان بگوید حق خدا را ترک نمودی ... سپس آموزگار در میانشان پراکنده کن ، و آن خدا را بپرست که به وی باز می گردی و در راه خدا از هیچ سرزنتش مترس. من به تو سفارش می کنم. به پرهیزگاری از خدا و راستگویی و وفا به پیمان و پرداخت امانت و ترک خیانت و نرم گوئی .^{۷۶}

۴- اعزام علی (ع) به یمن

چون سئوالی را در مورد حق شوهر به همسر نتوانست درست جواب دهد پیامبر(ص) در سال دهم هجرت تصمیم به اعزام علی (ع) گرفت . علی(ع) در محضر پیامبر(ص) با کمال تواضع گفت : من فرد جوانی هستم که در طول عمر داوری نکرده، و روی کرسی قضاوت ننشسته ام . پیامبری دست بر سینه او نهاد و درباره وی دعا کرد و گفت : بار الها ! قلب علی را هدایت فرما و زبان او را از لغزش مصون بندار . سپس فرمود : علی ! با کسی از در جنگ وارد مشو، و کوشش کن در یرتو نیروی منطلق و حسن سلوک ، مردم را به راه راست هدایت نمایی ، در فراز دیگری می فرماید : از مکر و نیرنگ و فریب دادن مردم بپرهیز ، زیرا حيله بدکاران به خود آنان باز می گردد. پیامبر(ص) نامه حاوی دعوت به آئین توحید را به دست علی داد، تا آن را بر ملت یمن بخواند . علی (ع) وقتی که به مرز یمن رسید و نامه پیامبر(ص) را خواند ، قبیله « حمدان » همگی اسلام آوردند.^{۷۷}

قبیله همدان در یک روز مسلمان شدند . علی(ع) موضوع را به پیامبر(ص) اکرم کتباً گزارش داد . پیامبر(ص) پس از خواندن نامه شکر خدا را به جا آورد.^{۷۸}

۵- فرستادن نامه به پادشاهان و سران قبایل

روش دیگر تبلیغی رسول اکرم (ص) فرستادن نامه و دعوت پادشاهان و سران قبایل به اسلام بود . این روش را زمانی انجام داد که از گسترش دعوت در شبه جزیره اطمینان یافت، آن گاه حضرت فرستادگان خود را به سوی هرقل ، امپراطور روم ، خسرو پادشاه ایران، مقوقس در مصر ، نجاشی در حبشه و کارگزار کسری در زمین یمن فرستاد . پیامبر صهری ساخت که بر آن محمد رسول الله کنده شده بود .

۵-۱ ارسال نامه به هرقل

« بسم الله الرحمن الرحيم من محمد بن عبد الله الى هرقل ، عظيم الروم ، سلام على من اتبع الهدى اما بعد فاني ادعوك الى الاسلام ، أسلم تسلّم ، و يورتك الله اجرک مرتين ، فان توليت فانما عليك اثم الاربيين »

(به نام خداوند بخشنده مهربان ، از محمد بن عبد الله به هرقل بزرگ روم ، درود بر آن که از هدایت پیروی کند ، اما من تو را به دین اسلام فرا می خوانم ، اسلام بیاور تا بی گزند مانی و خداوند پاداش تو را دو چندان دهد ، و اگر روی بگردانی گناه مردمتم بر گردن توست .)

« یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه التوفی سوا بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله . »^{۸۰}

ای اهل کتاب به سوی کلمه ای که بین ما و شما مشترک است فراز آید ، به این که جز الله را نپرستیم و چیزی را با او انباز نگیریم و برخی از ما ، برخی دیگر را به جای خداوند صاحب اختیار خویش نگیرد.

دحیه بن خلیفه کلبی از جانب پیامبر(ص) ماموریت یافت تا نامه را به قیصر روم برساند .^{۸۰}
 به هر پادشاه و فرمانروایی همین گونه نامه نگاشت ، و نامه کسری را به عبدالله بن حذافه سپرد ، نامه نجاشی به عمرو بن امیه ضمیری ، نامه مقوقس را به حاطب بن ابی بلعته ، نامه پادشاه عمان را به عمرو بن عاص سهمی ، و نامه سلیط پادشاه یمامه را به سلیط بن عمرو داد.
 پاسخ پادشاهان و فرمانروایان به فرستادگان پیامبر(ص) و نامه ها ، گوناگون بود . برخی با نرمش و مهربانی ، و برخی با سخت دلی و خشونت ، که خود پسندی و بزرگی فروشی در آنها آشکار بود .^{۸۱}

۵-۲ ارسال نامه به خسرو

نامه آن حضرت به خسرو پرویز پادشاه ایران که به دست عبدالله حذافه سهمی فرستاده شد چنین است :

{ « بسم الله الرحمن الرحیم ، من محمد رسول الله الی کسری عظیم فارس ، سلام علی من اتبع الهدی و آمن بالله و رسوله و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً عبده و رسوله الی الناس کافه لینذر من کان حیا و یحق القول علی الکافرین ، فان اسلم تسلم فان ابیت فان علیک اثم المجوس ... » }

(به نام خداوند بخشنده مهربان ، از محمد فرستاده خدا به خسرو ، بزرگ ایران ، سلام بر کسی که راهنمایی را پیروی کند و به خدا و رسولش ایمان آورد و گواهی دهد که معبودی جز خدای یگانه و بی نیاز نیست و این که محمد بنده و فرستاده او ، به همه مردم است ، تا هر که را زنده باشد ، بیم دهد و گفتار بر کافران واجب آید ، پس اسلام آور ، تا سالم بمانی و اگر سر باز زدی همانا گناهان مجوس بر تو است.)^{۸۲}

۵- ۳ ارسال نامه به اسقف نجران

پیامبر(ص) به موازات مکاتبه با سران دولت ها و مراکز مذهبی جهان ، نامه ای به اسقف نجران « ابو حارثه » نوشت و طی آن نامه، ساکنان نجران را به آئین اسلام دعوت نمود . اسقف پس از دریافت نامه ، شورائی از علمای مسیحی و شخصیت های موثر تشکیل داد و سرانجام تصمیم به اعزام هیئتی به مدینه گرفتند ، تا از نزدیک پیامبر را ملاقات نمایند و در پی آن، تصمیم به پذیرش اسلام و یا عدم پذیرش آن بگیرند. هیئت نجران به حضور رسول خدا(ص) رسیدند ، بعد از گفت و شنودها ، پیامبر(ص) به فرمان الهی به آنان پیشنهاد مباحله داد و آنها پذیرفتند و هنگامی که پیامبر(ص) را با علی(ع) و زهر(س) و حسین(ع) که برای مباحله حاضر شده بودند ، دیدند از مباحله کردن سرباز زدند و به پرداخت جزیه موافقت نمودند.^{۸۳}

۶- سفر تبلیغی پیامبر(ص) که منجر به فتح مکه گردید .

در ماه ذی القعدة سال ششم هجری به همه مسلمانان اطلاع داده شد تا آماده رفتن به مکه شوند، پیامبر(ص) میخواست که با این اقدام خود در برابر دیده هزاران مشرک ، قدرت مسلمانان را بنمایاند. سران قریش مانع ورود مسلمانان به مکه شدند ولی با مذاکرات و گفتگوهای فراوان به توافق رسیدند که پیامبر و یارانش به مدینه بازگردند ولی در سال های آینده جهت انجام مراسم حج مجازند وارد مکه شوند . این توافق به پیمان « پیمان حدیبیه » معروف گردید.^{۸۴}

پیمان حدیبیه، ثمراتی برای مسلمانان در پی داشت که از جمله ، ایجاد امنیت در مرزهای جنوبی مدینه و فراهم شدن زمینه تبلیغ اسلام در نقاط دیگر بود ، دو سال بعد که پیامبر به طور رسمی برای فتح مکه حرکت کرد ، ده هزار نفر همراه پیامبر حرکت نمودند و مکه فتح گردید.^{۸۵}

۷- تبلیغ اسلام در بین هیئت ها

در سال هشتم هجری مکه فتح گردید و مقاومت مشرکین در هم شکسته شد . به دنبال این فتح بزرگ ، در سال نهم ، نمایندگان مشرکین از همه نقاط شبه جزیره العرب به مدینه سرازیر شدند نمایندگان قبایل مختلف به حضور پیامبر(ص) می رسیدند و اظهار می نمودند و لذا این سال را « عام الوفود » نام نهادند.

دقت در آملن این هیئت ها و مذاکراتی که با پیامبر(ص) انجام دادند و به اسلام گرویدند ، گواهی می دهد که بر اثر تبلیغ و استدلال منطقی پیامبر(ص) ، اسلام گسترش پیدا کرده است .^{۸۶} نزول سوره مبارکه « النصر » به پیامبر(ص) حکایت کننده همین پیروزی بزرگ است که در طول سال نهم ، نمایندگان به حضور رسول اعظم رسیدند.

سفر

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

۸- جایگاه وسیله در تبلیغ پیامبر

در بین سیاستمداران معمول است که هدف، وسیله را توجیح می کند و می گویند: باید برای رسیدن به هدف مقدس، از وسیله های غیر مشروع بهره گرفت! اولی در سیاست پیامبر(ص) در گفتار و عمل او هرگز از وسیله غیر مقدس خبری نیست و آنرا به کار نمی گرفتند. وقتی که پیامبر در مکه با انواع فشارها و رنجها مواجه بود و نیاز شدید به حمایت کننده داشت، در موسم حج به سراغ حاجیان می رفت و آنان را به اسلام دعوت می کرد، بحیره با فراس بن عبدالله بن سلمه، از قبیله بنی عامر بن صعصعه به پیامبر گفت: ما اگر ایمان بیاوریم و حمایت کنیم تا بر مخالفین پیروز شوی، آیا پس از تو حکومت از آن ما خواهد بود؟ پیامبر(ص) فرمود کار رهبری به دست خداست آنرا در هر کس بخواد قرار دهد.^{۸۷}

اگر پیامبر(ص) از وسیله ی غیر مقدس بهره می گرفت، تقاضای او را قبول می کرد و از توان جنگی اش استفاده می کرد و پس از به قدرت رسیدن به نحوی تعهدش را زیر پا می گذاشت و اعتنایی به پیمانانش نمی کرد. از جانب دیگر، پیامبر(ص) حق تعیین جانشین خود را نداشت و این موضوع مربوط به اراده الهی است که پیامبر این موضوع را در یوم الانذار بیان کرده بودند و این منصب مربوط به علی (ع) بود. هیتی از قبیله ثقیف به خدمت پیامبر(ص) رسیدند و برای مسلمان شدن خود را شروطی قید نمودند:

۱- بتخانه بزرگ طایفه سه سال به همان حال باقی بماند و بت بزرگ قبیله «لات» در این مدت مورد پرستش قرار گیرد، که مورد قبول پیامبر واقع نگردید. گفتند یک ماه باقی بماند، باز هم رد شد.

۲- آنان گفتند که از خواندن نماز معاف باشند فرمود: «لا خیر فی الدین لا صلوه فیه» دینی که نماز در او نباشد خیری نیست.

۳- گفتند ما مسلمان می شویم ولی بت ها را ما نمی شکنیم، شما ماموری را اعزام فرمائید تا بت را بشکند، پیامبر این تقاضا را پذیرفتند.^{۸۸}

ابراهیم فرزند رسول اعظم(ص)، در سال دهم هجری فوت کرد. در روز درگذشت او آفتاب گرفت. برخی از ساده اندیشان گفتند که، آفتاب برای فوت ابراهیم گرفته است! پیامبر(ص)، بر فراز منبر رفت و فرمود: «ان الشمس و القمر آیتان من آیه الله یجریان بامرہ، مطیعان له لا ینکسفان لموت احد و لا لمحیاته» یعنی آفتاب و ماه از نشانه های قدرت خدا هستند و آنها طبق سنن طبیعی و قوانینی که خدا

پیامبر

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

بر آنها مقرر داشته است در مسیر خاصی می گردند . هرگز برای مرگ کسی و یا تولد کسی نمی گیرند بلکه وظیفه شما در موقع کسوف این است که نماز بگذارید .^{۸۹}

ممکن است بعضی افراد از چنین حوادثی به طور مقطعی به نفع خود استفاده کند و جمع مریدان خود را افزایش دهند، ولی بهره گیری از چنین فرصت ها ماندگار نخواهد بود و حقیقت آشکار خواهد شد . با گذشت زمان و پیشرفت علوم ، علت ، و سبب گرفتن آفتاب معلوم شده است .

رسول اعظم ، از وسایلی نادرست و غیر مشروع استفاده نکردند و پیروان راستین آن حضرت نیز، استفاده نخواهند کرد. هنگامی که به علی(ع) پیشنهاد میکنند که برای استحکام قدرت ؛ معاویه کنار بیاید و سپس برای عزل او اقدام نمایند ! علی(ع) با قاطعیت این سیاست را رد می کند .

۹- بهره گیری از وسیله مقدس

پیامبر(ص) ، همان طوری که هدفش مقدس بود و برای تحقق آن می کوشید ، همواره برای رسیدن به هدف مقدس ، از وسیله مقدس استفاده می کرد . و این روش پسندیده را در عمل و گفتار رعایت می فرمودند .

تمام افعال انبیاء مانند اقوامشان ، جنبه تبلیغی دارد و فعل آنان عیناً مانند قولشان برای مردم حجت ، و بیانگر وظایف خدایی است .^{۹۰}

پیامبر(ص) که از وسایل مشروع استفاده می کرد ، تبلیغ از روشی است که مسلمانان آن روش را به کار بگیرند .

وقتی که عمرو در جنگ احزاب به دست علی (ع) کشته شد ، صدای تکبیر مسلمانان بلند شد . سپاهیانی که پشت سر عمرو از خندق گذشته بودند ، وحشت زده به طرف خارج از خندق فرار نمودند که در این هنگام « نوفل » با اسب خود در وسط خندق سقوط کرده ، و امیر المومنین علی(ع) وارد خندق گردید و او را کشت .

ابوسفیان تصور کرد که به انتقام حمزه عموی پیامبر(ص) ، بدن نوفل را مثله خواهند نمود . کسی را فرستاد که جسد او را به ده هزار دینار بخرد ، پیامبر(ص) فرمود : نعش او را بدهید و پول مرده در اسلام حرام است .^{۹۱}

۱۰- پیامبر و تبلیغ تدریجی

شخصی که به انجام عملی عادت پیدا کرده است ، عادتش به طور آئی و دفعی به وجود نیامده است . و همین طور که اگر بخواهد آن عادت را ترک نماید ، نیاز به زمان دارد ، تا عادت خود را ترک کند . ورزش کاران در بلند کردن وزنه ها ، از وزنه های سبک شروع می کنند ، تا کم کم به

وزنه های سنگین برسند ، زیرا بلند کردن هر وزنی بدن را برای بلند کردن وزنی سنگین تر آماده می سازد .^{۹۲}

رشد انسان از نظر جسم و روان به صورت تدریجی است . وقتی متخصصین زیست شناسی ، روان شناسی ، جامعه شناسی و تکامل انسان را بررسی می کند ، یکی از اصولی که به آن استناد می کند ، اصل تدریجی بودن رشد بر اساس قانون تعیین شده حق تعالی می دانند . رشد جسمی و رشد روانی را نیز تدریجی می دانند.^{۹۳}

تبلیغ پیامبر(ص) از دعوت به توحید در مکه آغاز می شود و مرحله به مرحله پیش می رود . تبلیغ اصول عقاید در مکه انجام میگیرد و مسائل حکومتی در مدینه مطرح می شود . تبلیغ احکام نیز همانند سایر مسایل به صورت گام به گام صورت گرفته است .

به طور نمونه می توان از منبع و حرمت تدریجی شراب به عنوان تبلیغ تدریجی نام برد . اولین آیه ای که برای حرمت شراب نازل شد و پیامبر(ص) مامور به تبلیغ آن گردید ، آیه شریفه « یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فهما اثم کبیر و منافع للناس و الهمما اکبر من نفعهما »^{۹۴} .

(درباره شراب و قمار از تو سوال می کنند ، بگو : در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بر دارد ، ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است .)

هنگامی که این آیه نازل شد ، مردم احساس کردند که شراب و قمار حرام است و دانستند که باید گناه را ترک کنند ، اما خداوند همه راه ها را نبست زیرا فرموده است « و منافع للناس » .

سپس خداوند آیه دیگری را نازل کرد و فرمود : « یا ایها الذین امنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون »^{۹۵} (ای کسانی که ایمان آورده اید ! شراب و قمار و بت ها و ازلام نوعی بخت آزمایی پلید و شیطانی اند ، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید .)

این آیه ، از آیه اول ، غلظت و شدت بیشتری دارد . سپس فرمود : « انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر الله و عن الصلوه فهل انتم متبهون »^{۹۶} . (شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار ، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند ، و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد ، آیا خودداری خواهید کرد؟!)

سپس مسئله تحریم را بیان می کند و با توجه به آن چه در نخستین آیه بیان کرده بود ، حرمت گناه را با این آیه آشکار می سازد ، « قل انما حرم ریی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم و

البغی بغیر الحق...»^{۹۷} . بگو خداوند متعال ، تنها اعمال زشت را ، چه آشکار باشد و چه پنهان ، حرام کرده است ، و گناه ، و ستم به ناحق را .^{۹۸}

شخصی به پیامبر (ص) عرض کرد : من نمی توانم نماز های پنجگانه را انجام دهم . ولی می توانم شبانه روزی دو رکعت نماز به جای آورم . پیامبر با او موافقت کرد . او می رود و مدتی به روزی دو رکعت نماز اکتفا می کند . تا اینکه شیرینی نماز را می چشد و نماز های پنجگانه را انجام می دهد.^{۹۹}

۱۱- روش گفتاری پیامبر(ص)

پیامبر امی از میان مردم برخاسته بود ، و با مردم زندگی می کرد و هیچ گاه بریده از مردم نبود. او به زبان مردم سخن می گفت و از سخنان درشت پرهیز می کرد.

« و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم... »^{۱۰۰}

(ما هیچ پیامبری را ، جز به زبان قومش نفرستادیم تا (حقایق) را برای آنها آشکار سازد.)
پیامبر (ص) گفتاری شمرده و با فاصله داشت ، سخنان او جامع همه معانی بود و هیچ کاستی و فزونی نداشت . کلام او تعیین کننده حق و باطل از یکدیگر بود . بی ادب نبود و هیچ کس را در گفتار خویش خوار و زبون نمی کرد^{۱۰۱} قرآن درباره پیامبر اکرم (ص) می فرماید : « واطیعوا الله و اطیعوا الرسول ، فان تولیتهم فانما علی رسولنا البلاغ المبین »^{۱۰۲} (اطاعت کنید خدا را ، و اطاعت کنید پیامبر را ، و اگر روی گردان شوید ، رسول ما جز ابلاغ آشکار وظیفه ای ندارد.)

۱۲- پیامبر (ص) در کلام علی (ع)

مولا امیرالمومنین علی (ع) که در خدمت پیامبر (ص) پرورش یافته بود، بهترین شناخت را نسبت به مربی خود داشت و کلامش رساترین کلام بود . از همین رو به پاره ای از سخنان آن حضرت اشاره می شود:

۱-۱۲ « ما ضیا علی نفاذ امرک ، حتی اوری قبس القابس و اضواء الطریق للخابط ، و هدیت به

القلوب بعد خوضات الفتن و الاثام و اقام بمروضات الاحلام و نیرات الاحکام... »^{۱۰۳}

(و در اجرای فرمانت تلاش کن، تا این جا که نور حق را آشکار ، و راه را برای جاهلان روشن ساخت، و دل هایی که در فتنه و گناه فرو رفته بودند هدایت شدند . پرچم های حق را بر افراشت و احکام نورانی را بر پا کرد.)

۲-۱۲ « فبالغ فی النصیحه ، و مضی علی الطریق ، و دعا الی الحکمه و المرحه الحسنه »^{۱۰۴}

(سپس پیامبر (ص) در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش را کرد ، و آنان را به دست راهنمایی و از راه حکمت و موعظه نیکو ، مردم را به خدا دعوت فرمود .)

۱۲-۳ « دفن الله به الضمائن ، و اطفاء به الثوائر ، الف به اخواننا و فرق به اقربانا ، اعز به الذله و اذل به العزه ، کلامه بیان ، و صسته لسان . »^{۱۰۵}

(خدا به برکت وجود او کینه ها را دفن کرد و آتش دشمنی ها را خاموش کرد . با او میان دلها الفت و مهریانی ایجاد کرد و نزدیکانی را از هم دور ساخت . انسان های خوار و ذلیل و محروم در پرتو او عزت یافتند و عزیزانی خودسر ذلیل شدند و گفتار او روشنگر واقعیت ها بود .)

۱۲-۴ « اخناره من شجره الانبیاء ، و مشکاه الضیاء ، و ذریات العلیاء ، و سرت البطحاء ، و مصابیح العظمه و یتابیع الحکمه طیب دوار بطبه قد احکم مراهمه و احمی مراسمه بضع ذالک حیث الحاجه علیه من قلوب می و آذان صم و السنه بکم ، متبوع بدوائه مواضع الغفله و مواطن الخیره . »^{۱۰۶}

(پیامبر (ص) را از درخت تنومند پیامبران ، از سرچشمه نور هدایت ، از جایگاه بلند و بی همانند از سرزمین بطحاء، از چراغ های برافروخته در تاریکی ها ، و از سرچشمه های حکمت برگزید . پیامبر (ص) طیبی است که برای درمان بیماران سیار است. مرهم های شفا بخش او آماده و ابزار داغ کردن زخم ها را گذاخته . برای شفا قلب های کور و گوش های ناشنوا و زبان های لال ، آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است .)^{۱۰۷}

۱۲-۵ « بلّغ من ربه معذرا و نصح لامته منذرا ، و دعا الی الجنة میشرأ و خوگ من النار منذرا . »^{۱۰۸}
(و برای تبلیغ احکامی که قطع کننده عذرهاست تلاش کرد و امت اسلامی را به هشدار های لازم نصیحت کرد ، و با بشارت ها، مردم را به سوی بهشت فراخواند ، و از آتش جهنم پرهیز داد .)

۱۲-۶ « ارسله داعیا الی الحق و شاهدا علی الخلق قبلغ رسالات ربه ... »^{۱۰۹}

(خداوند پیامبر(ص) را فرستاد تا دعوت کننده به حق و گواه اعمال خلق باشد .)

۱۲-۷ « و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله و اعلام الهدی دارسه و منا هج الدین طامسه فصده بالحق و نصح للخلق و هدی الی الرشده و امر بالقصد صلی الله علیه و آله و مسلم . »^{۱۱۰}

(و گواهی می دهم که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست ، خدا پیامبرش را زمانی فرستاد که نشانه های هدایت از یاد رفته ، و راه های دین ویران شده بود ، او حق را آشکار ، و مردم را نصیحت فرمود ، همه را به رستگاری هدایت ، و به میانه روی فرمان داد . « درود خدا بر او و خاندانش باد)

پی نوشت ها

- ۱- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا
- ۲- سیره تبلیغی پیامبر اکرم (ص)، اصغر افتخاری، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول: ۱۳۷۷. ص ۲۵
- ۳- قرآن و تبلیغ، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، نوبت چهارم، بهار ۱۳۸۵. ص ۳۶
- ۴- سیری در سیره نبوی، شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ سی و ششم : ۱۳۸۵
تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، به کوشش عبد الرحیم موگهی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول: ۱۳۷۷ صفحات ۷۰-۶۷.
- ۵- قرآن، سوره احزاب، آیه ۲۱.
- ۶- قرآن و تبلیغ، ص ۳۷.
- ۷- قرآن و تبلیغ، ص ۳۸.
- ۸- قرآن و تبلیغ، ص ۳۸.
- ۹- قرآن، سوره حجر، آیه ۹۴.
- ۱۰- قرآن و تبلیغ، ص ۴۱.
- ۱۱- قرآن کریم، سوره فاطر، آیه ۲۵

۱۲- قرآن ، والنجم، آیات ۴-۳

۱۳- الگوی برتر (شیوه مبارزه پیامبر اکرم (ص) با مفساد اجتماعی)، محمد رضا تویسرکانی ، انتشارات آرام دل ، تهران ، چاپ اول ، ص ۱۳۰- و سی دی نور۲، بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲، باب ۴، روایت ۲۵

۱۴- الگوی برتر، ص ۱۳۱،

تحلیلی از تاریخ اسلام، دکتر سید جعفر شهیدی ، نهضت زنان مسلمان ، تهران ، ۲۲ بهمن ۱۳۵۹، جلد اول ، ص ۲۸

۱۵- فروغ ابدیت ، ج ۱، ص ۱۹۲

۱۶- الگوی برتر، ص ۱۳۳

۱۷- قرآن ، مریم ، ۹۶

۱۸- فروغ ابدیت ، جعفر سبحانی ، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی) چاپ هفدهم ۱۳۸۰ ، جلد ۱ ، ص ۱۹۰

الگوی برتر ، ص ۱۳۴ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۹- قرآن، بقره ، آیه ۴۴

۲۰- قرآن ، صف ، آیه ۲

۲۱- الگوی برتر ، ص ۱۳۵،

تحلیلی از تاریخ اسلام ، ج ۱، ص ۱-۳۰

۲۲- تحلیلی از تاریخ اسلام ، ج ۱، ص ۲-۳۱

۲۳- پژوهشی در سیره نبوی ، گروه پژوهشکده حوزه و دانشگاه، شرکت چاپ و نشر

بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول ، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۴

۲۴- تاریخ یعقوبی ، احمد بن ابی یعقوب ، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، بنگاه

ترجمه و نشر کتاب ، تهران ، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۳۷۹.

رحمت عالمیان (حضرت محمد المصطفی) فضل الله کمپانی ، دار الكتاب الاسلامیه

، تهران ، چاپ اول ، ص ۲۰۳

۲۵- تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۵۲، ج

سوم ، ص ۸۶۴

۲۶- تحلیلی از تاریخ اسلام ، جلد ۱

۲۷- الگوی برتر ، ص ۱۴۳

۲۸- پژوهشی در سیره نبوی ، ص ۱۴

۲۹- الگوی برتر ، ص ۱۴۲

۳۰- تحلیلی از تاریخ اسلام ، ج ۱، ص ۳۹

۳۱- پژوهشی در سیره نبوی ، ص ۸-۱۶

۳۲- پژوهشی در سیره نبوی ، ص ۱۵

۳۳- پژوهشی در سیره نبوی ، ص ۲۱

۳۴- خاتم پیامبران ، محمد ابو زهره ، ترجمه حسین صابری ، بنیاد پژوهشهای

اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد ، چاپ اول : ۱۳۷۳ ، ج ۱ ، ص ۶۱۹

35- قرآن ، شعرا ، آیه ۲۱۴

۳۶- تفسیر نمونه ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، تیرماه ۱۳۶۱ ، ج ۱۵ ، ص ۷-۳۶۶

۳۷- همان ، ص ۳۷۲

۳۸- ینایع الموده ، شیخ سلیمان قندوزی حنفی ، منشورات موسسه الاعلمی

للمطبوعات ، بیروت ، لبنان ، الطبعة الاولى ۱۴۱۸ هـ ، ص ۱۲۳ باب ۳۱

۳۹- نهج البلاغه ، ترجمه محمد دشتی ، انتشارات الهادی ، چاپ ۲۳ ، قم ، تابستان ۸۲

۴۰- تفسیر المیزان ، علامه طباطبائی ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ، دفتر

انتشارات اسلامی ، قم ، ۱۳۶۳ ، ج ۱۴ ، ص ۲۰۲

۴۱- همان ، ص ۲۰۳

۴۲- سیری در سیره نبوی ، ص ۹-۱۵۶

۴۳- فضائل الخمسه من الصحاح الستة ، سید مرتضی حسینی یزدی فیروز آبادی ،

منشورات فیروز آبادی ، قم ، ۱۳۸۲ هـ - ش ، ج ۱ ، ص ۳۴۸

۴۴- فروغ ابدیت ، ج ۱ ، ص ۲۵۷

۴۵- خاتم پیامبران ، ج ۱ ، ص ۶۱۱

۴۶- قرآن ، الحجر ، آیه ۹۴

۴۷- الگوی برتر ، ۵-۱۴۴

فروغ ابدیت ، ج ۱ ، ص ۴-۲۶۳

۴۸- همان ، ص ۱۴۵

شعبه

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

۷۲

۴۹- تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، ص ۳۲۵

۵۰- قرآن، فصلت، ۱-۵

۵۱- تحلیلی از تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۴۱

۵۲- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۱۵-۶

۵۳- همان، ج ۱، ص ۳۱۷

۵۴- همان، ج ۱، ص ۳۱۹

۵۵- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۹۴

۵۶- سیره رسول الله (ص)، دکتر عباس زریاب، بخش اول، انتشارات سروش تهران،

چاپ اول: ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۸۰

۵۷- همان، ج ۱، ص ۲۶۳

۵۸- سیره الرسول (ص)، بخش اول، ص ۲-۱۸۱

۵۹- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۰۰

۶۰- تحلیلی از تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۴۴

۶۱- همان، ج ۱، ص ۴۵

۶۲- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۰۵-۶

۶۳- تحلیلی از تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۶۵

۶۴- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۰۱

۶۵- تحلیل از تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۴۷

مغیر

روشهای تبلیغی پیامبر اکرم (ص)

۲۴

۶۶- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۵۰

۶۷- الگوی برتر، ص ۱۸۸

۶۸- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴-۸۳

۶۹- همان، ج ۲، ص ۷-۸۶

۷۰- همان، ج ۲، ص ۲۸۹

۷۱- السیره النبویه، ابن هشام، دار الجیل، بیروت، ج ۴، ص ۱۷۵

۷۲- قرآن، احزاب: ۴۵

۷۳- تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۹۴

۷۴- قرآن، سوره بقره: ۱۸۵

۷۵- السیره النبویه، ج ۴، ص ۱۷۵

۷۶- تحف العقول عن آل الرسول (ص)، امیر محمد الحسن بن علی بن الحسین

شعبت الحرائی، ترجمه و تصحیح علی اکبر خفاری، کتاب فروشی اسلامیة، تهران،

۱۳۹۸، ص ۷-۳۶ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷۷- فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۵-۴۵۳،

سیرت المصطفی، ج ۱، ص ۳۷۰

۷۸- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، دارالکتب العلمیه، الطبعة الثانیة، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م

ج ۲، ص ۱۶۸

۷۹- قرآن، سروه آل عمران، آیه ۶۴

- ۸۰- تاریخ یعقوبی ، ج ۱ ، ص ۴۴۳
- سیره المصطفی، ج ۲، ص ۲۳۸۰
- ۸۱- سیره المصطفی، ج ۲، ص ۲۳۹
- ۸۲- تاریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۴۴۲
- ۸۳- فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۴۱
- ۸۴- همان، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۸۴
- ۸۵- همان، ج ۲، ص ۲۰۱
- ۸۶- همان، ج ۲، ص ۸-۳۷۷
- ۸۷- سیره المصطفی (ص) ، ج ۱، ص ۹-۲۶۸
- ۸۸- الکامل فی تاریخ، ج ۲، ص ۱۵۵، سیری در سیره نبوی، ص ۱۱۸،
فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۱۶
- ۸۹- سیری در سیره نبوی، ص ۲-۱۲۱
- ۹۰- تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۸۶، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۹۱- فروغ ابدیت ، ج ۲، ص ۹-۱۳۸، رتال جامع علوم انسانی
- ۹۲- گام هایی در راه تبلیغ ، محمد حسین فضل الله ، ترجمه و نگارش احمد بهشتی ،
شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه امیر کبیر ، تهران ، چاپ اول ۱۳۸۴
- ۹۳- روشهای تبلیغ، رضا علی کرمی ، دار الثقیلین، قم، چاپ دوم: ۱۳۷۸
- ۹۴- قرآن ، بقره، آیه ۲۱۹

۹۵- قرآن ، مائده ، آیه ۹۰

۹۶- قرآن ، مائده ، آیه ۹۱

۹۷- قرآن ، اعراف ، آیه ۳۳

۹۸- گام هایی در راه تبلیغ، ص ۶۰

۹۹- همان ، ص ۶۵

۱۰۰- قرآن ، ابراهیم ، آیه ۴

۱۰۱- شمائل النبی (ص) ، ابو بن عیسی ترمزی ، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی،

چاپ اول: ۱۳۷۲، تهران

۱۰۲- قرآن ، تغابن ، آیه ۱۲

۱۰۳- نهج البلاغه، خطبه ۷۲، ص ۱۲۰

۱۰۴- همان ، خطبه ۹۵، ص ۱۷۸

۱۰۵- همان ، خطبه ۹۶، ص ۱۷۸

۱۰۶- همان ، خطبه ۱۰۸، ص ۲۰۰

۱۰۷- همان ، خطبه ۱۰۸، ص ۲۰۰

۱۰۸- همان ، خطبه ۱۰۹، ص ۲۰۸

۱۰۹- همان ، خطبه ۱۱۶، ص ۲۲۴

۱۱۰- همان ، خطبه ۱۹۵، ص ۴۰۸

بصیر

روشهای تبلیغ پیامبر اکرم (ص)

۷۶